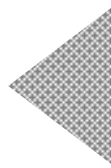


# تبیین دو مفهوم صلح و عدالت و جایگاه آن در سیاست خارجی دولت نهم



زهرا صادقی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت ۸۷/۱۰/۱۰- تاریخ تصویب ۸۸/۲/۱۶)

## چکیده

شکی نیست که یکی از ضروری‌ترین نیازهای بشری، صلح است. علاوه بر زیبایی معنوی و ارزش انسانی صلح، کارکردهای اقتصادی صلح نیز آن را به یکی از مبرم‌ترین نیازهای بشر مبدل ساخته است. بروز صلح و عدالت که در سیاست خارجی ایران ریشه‌ای تاریخی دارد، در مقطعی پررنگ بوده است که جلوه آن را می‌توان در سیاست خارجی محمود احمدی‌نژاد مشاهده کرد. رویکردها و شعارهای دولت نهم از جمله صلح، مهرورزی و عدالت با برنامه‌های تأمین اجتماعی قابلیت اجرا دارد. به عبارتی شعار مهرورزی و عدالت‌محوری با توجه به سر و کار داشتن آن با اقشار جامعه اعم از فقیر و غنی تحقق می‌یابد. در سطح داخلی دولت نهم اقدامات و اصلاحات خوبی در زمینه تأمین اجتماعی از جمله اصلاح و روان‌سازی در امور، اصلاح دستیابی مردم به مزایای تأمین اجتماعی و اصلاح یک سری قوانین انجام داده است.

سیاست خارجی یکی از ارکان سیاسی و ابزارهای مهم محافظت‌کننده از منافع ملی است. سیاست خارجی در هدف معطوف به سلسله ارزش‌های ملی تحت عنوان هویت و مصلحت و در روش معطوف به ارتباطات، اطلاع‌رسانی، روشنگری، توافق و تعهدات حقوقی

۱- دانشجوی کارشناس ارشد دانشگاه اصفهان، z.sadeghei@gmail.com

است که تحت عنوان دیپلماسی شناخته می‌شود.

دولت نهم در تنظیم و جهت‌گیری مناسبات و روابط خارجی خود به چند اصل اساسی اتکا دارد. عدالت در روابط بین‌الملل، مهرورزی، پایداری بر اصول، توسعه متوازن و برابر روابط با دیگر کشورها، توسعه عضویت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی، منطقه‌ای و جهانی، مقابله با تک‌قطبی‌گرایی و سیاست خارجی چندجانبه‌گرا از اهم آن اصول است. هدف این تحقیق پاسخگویی به این سؤالات است:

۱. ایران چه سیاست‌هایی در اجرای صلح، عدالت و در سطح داخلی و روابط بین‌الملل اتخاذ کرده است؟

۲. ایران چگونه می‌تواند با تکیه بر گزینه‌های اتخاذ شده، اتحاد و همگرایی را در سطح داخلی و بین‌المللی ایجاد نماید؟

فرضیه این مقاله این است که سیاست خارجی دولت نهم بر طبق گفتمان اصول‌گرایی عدالت محور، نظم و نظام بین‌الملل را شالوده‌شکنی می‌کند و غرب و آمریکا را به عنوان دو کانون مهم، مخل صلح و عدالت در جهان می‌داند و برای دفاع از حقوق بین‌الملل خود به ویژه در مورد حق مسلم خود در برخورداری از انرژی هسته‌ای با اتخاذ راهبرد سیاست نگاه به شرق، تقویت همکاری منطقه‌ای و اسلامی جنبش عدم تعهد، متنوع‌سازی گفتگوهای هسته‌ای فراتر از اروپا و ... سعی در گسترش اصول عدالت‌گری در عرصه بین‌المللی دارد.

**واژگان کلیدی:** صلح، عدالت، اتحاد، همگرایی، همکاری‌های منطقه‌ای، روابط خارجی

## مقدمه

صلح و عدالت دو مفهومی هستند که در بسیاری از تعاریف در کنار هم قرار می‌گیرند. از این رو ترویج ارزش‌های عدالت‌گرایانه چه در سطح جامعه و چه در سطح بین‌المللی مقدمه‌ای است برای گسترش صلح در جهان. امروزه با گسترش جنگ که در جهت توسعه‌طلبی منافع قدرت‌های بزرگ شکل می‌گیرد، مهمترین ارزش‌ها و هنجارهای انسانی و همچنین اصول دموکراسی و عدالت که شعار بسیاری از این قدرت‌ها در جوامع بین‌المللی است، زیر سؤال رفته و برای این که اذهان را متوجه این ضایعات نکند، دست اتهام را به سوی کشورهای دیگر از جمله ایران دراز می‌کند و آن‌ها را متهم به رعایت نکردن اصول اخلاقی و سایر ارزش‌های

حقوق بشردوستانه می‌کنند. انتخاب احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور ایران بیانگر این است که سیاست خارجی ایران متکی بر ترویج اصول عدالت‌گری چه در سطح جامعه و چه در سطح مجامع بین‌المللی است. از این رو اصول عدالت‌گرایی که سعی در حفظ حقوق خود می‌نماید و این نمی‌تواند مخالف ارزش‌های اخلاقی و اصول عدالت‌طلبانه نظام بین‌الملل باشد. بر این اساس در این مقاله بعد از پرداختن به مفهوم صلح و عدالت، سعی می‌شود با توجه به گفتمان عدالت‌گرایانه عدم‌ابهام در سیاست خارجی را روشن سازیم.

### روندهای اصلی صلح در طول تاریخ

تردیدی نیست که میان دو مفهوم صلح و امنیت ارتباطی قوی وجود دارد. سنت آگوستین از علمای معتبر مسیحیت مفهوم صلح را چنین تعریف می‌کرد: «نظم در آرامش» و این تعریف هم بر زندگی درون و هم بر زندگی بیرون انسان صدق می‌کند (راسخ، ۱۳۸۵: ۷).

در طول تاریخ تلاش‌های بسیاری در قالب سازمان‌ها در جهت برقراری صلح صورت گرفته است. مثلاً در عهد باستان، یونانی‌ها یا رومی‌ها از طریق شکل‌گیری سازمان‌هایی به طور غیرمستقیم در جهت ترویج صلح تلاش می‌کردند. نحوه دیگر برقراری صلح، قبول حاکمیت حقوق بین‌المللی در تنظیم روابط ملت-دولت‌هاست. جامع‌ترین نمونه سازمان‌های ایجاد شده در جهت صلح، شکل‌گیری جامعه ملل و سازمان ملل بوده است که هر دو مولود تجارب تلخ دو جنگ جهانی بوده و هدف خود را توجه و رسیدگی به مسائل زیر قرار دادند:

۱. خلع سلاح و ممانعت از بروز جنگ‌های مسلحانه؛
۲. الغاء استعمار و آزادسازی ملل مستعمره؛
۳. ترویج همکاری اقتصادی بین‌المللی و توسعه ممالک عقب‌مانده؛
۴. حمایت از حقوق انسانی که در این زمینه تصویب شده.

امروزه قواعد بازی قدرت در جهان بسیار پیچیده و حتی نقش سازمان‌های بین‌المللی بسیار سخت‌تر شده است. این پیچیدگی بیش از آن که مرهون نظریات آکادمیک و تئوریک در مقوله قدرت باشد، معلول زیاده‌طلبی قدرت‌های بزرگ است. واقعیات جهان امروز نظیر جنگ و گرسنگی و تعرض به حقوق انسان‌ها، همگی ریشه در قدرت‌طلبی و زیاده‌خواهی غرب دارد. «حقوق بین‌الملل عمومی» و «قواعد رفتار جمعی» در قاموس قدرت‌های بزرگ حکم ابزار را

دارند. از این رو ناتوانی سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حل و فصل بحران‌های جهانی امروز کاملاً بدیهی است (غفاری، ۱۳۸۷: ۱).  
گفتمان عدالت تنها پارادیمی است که می‌توان در قالب آن رفتارهای قدرت‌های بزرگ در غرب را به چالش کشید. دو نوع نگاه فلسفی و سیاسی به مسئله صلح وجود دارد. نگاه فلسفی و نظری به مقوله صلح نسبت به نگاه سیاسی و کاربردی اهمیت کمتری دارد. در نظام بین‌الملل توجه به مقوله صلح بدون توجه به جنبه کاربردی آن تنها مفهوم ارزشی و ایدئولوژیک پیدا می‌کند و مسلماً هدف این جنبه ایدئولوژیک متضمن ایجاد صلحی پایدار و عینی در جهان نیست. نگاه متعالی دینی و فطری به مقوله عدالت و صلح رویکردی جمعی را می‌طلبد که در سایه آن بتوان به صورت مجهز به جنگ تئوری و عملی با «توسعه طلبی» در جهان رفت. شاید مؤثرترین اقدام در این خصوص اصلاح ساختارها و سازمان‌های بین‌المللی از قدرت‌های زورگو باشد (غفاری، ۱۳۸۷: ۲).

جدا از ساختار و سازمان‌های بین‌المللی در توقف صلح، ضعف و کم خونی جامعه سیاسی و بی‌مسئولیتی دولتمردان و سیاستمداران برای جلوگیری یا متوقف کردن جنگ و برقراری صلح سبب شکل‌گیری جنبش‌های صلح طلبانه شده است که هدف آن‌ها رهایی از جنگ و برقراری صلح بوده است. در این ارتباط می‌توان از چهار موج صلح خواهی سخن گفت.  
نخستین موج جنبش صلح در سال‌های میانی دو جنگ جهانی شکل گرفت. زمانی که فاشیست‌ها در ایتالیا قدرت را به دست گرفته بودند و در آلمان هم حزب ناسیونال سوسیالیست کارگری به رهبری هیتلر بحران آفرینی می‌کرد و در شرق اروپا هم نظام کمونیستی به رهبری استالین پایه‌های حکومت ترس و ترور خود را با پاکسازی معترضان استحکام بخشید. دومین موج جنبش‌های صلح مربوط به دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی است که در ایام عید پاک در شماری از کشورهای اروپای غربی هزاران نفر در مخالفت با جنگ و برقراری صلح دست به تظاهرات می‌زدند. سال‌های آغازین دهه هشتاد، سومین جنبش‌های صلح طلبانه شکل می‌گیرد که مربوط به اعتراض اروپاییان به گسترش سلاح‌های هسته‌ای و استقرار شمار بیشتری از این نوع سلاح‌ها در خاک اروپا می‌شود. به ترتیب انگلستان و آلمان در سال ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ بیشترین تظاهرات را در این زمینه داشته‌اند. در نهایت آخرین موج جنبش صلح پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است. زمانی که آمریکا به افغانستان و عراق حمله کرد که در نتیجه آن میلیون‌ها نفر از مردم جهان در اعتراض به

جنگ و خشونت به خیابان‌ها ریختند و در پی آن ائتلاف‌هایی علیه جنگ صورت گرفت (رزاقی، ۱۳۸۷: ۱-۳).

از مهم‌ترین ویژگی‌های جنبش صلح می‌توان گفت علاوه بر این که جزء جنبش‌های اجتماعی جدید به شمار می‌آید، ماهیت جهانی، غیرایدئولوژیکی دارد و محصول نقش فعال سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی است. با توجه به نقش و اهمیت صلح بسیاری از متفکران و روشنفکران کشورهای مختلف در جهت گسترش روند صلح گام‌های اساسی برداشته‌اند. جامعه ایران از جمله جوامعی است که در طول تاریخ روند صلح و صلح‌طلبی به کندی در آن صورت گرفته است. شاید بتوان گفت که یکی از عوامل مهم آن گسست جامعه مدنی در ایران باشد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه مدنی قوی، تعریف وظایف، پرهیز از انزواگرایی هم در سطح محلی و هم در سطح ملی و بین‌المللی و گفتگو و تبادل با جوامع دیگر است.

در چند سال اخیر به ویژه در زمان ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد هر چند که ما از سوی جوامع غرب تحت فشار روابط اقتصادی - سیاسی و دیپلماتیک با کشورهای دیگر بوده‌ایم ولی این خود عاملی شد که ایران برای فرار از این فشارها رو به سوی روابط دیپلماتیک با دیگر کشورها از جمله کشورهای آسیایی - آفریقایی و آمریکای لاتین داشته باشد که این امر اگر از سوی این کشورها هم پذیرفته شود، یک پدیده بی‌سابقه در طول تاریخ ایران در زمانی که تحت فشار است، به حساب می‌آید.

### ابعاد ترویج فرهنگ صلح

گسترش روندهای صلح در جهان بیش از همه نیازمند گسترش فرهنگ صلح در جهان می‌باشد که این امر را می‌توان در ابعاد زیر دنبال کرد:

#### الف) امنیت اقتصادی و توسعه

جهان امروز سرشار از منابع بی شماری است که ضامن بقای افراد است. از این رو برای هر جامعه‌ای می‌توان تضمین کرد که می‌تواند برخوردار از این منابع باشد و در جهت امنیت اقتصادی و توسعه حرکت کند. اما آن چیزی که سبب مختل شدن این امر می‌شود مربوط به ساختارهای بد جامعه، شکاف بین فقیر و غنی، ساختارهای بین‌المللی و... می‌باشد و طبق تئوری فرهنگ صلح اگر هر جامعه‌ای یا هر نظامی برای خود این تفکر را درونی می‌سازد که تمام

انسان‌ها در برخورداری از منابع حق دارند، می‌توان شرایطی را تضمین کرد که از فقر و گرسنگی آحاد جامعه جلوگیری خواهد کرد.

### ب) امنیت سیاسی و دموکراسی

از طریق نهادها و الگوهای رفتاری به نوعی می‌توان درگیری را در تعاملات انسانی تضمین کرد. در واقع در این سامانه، درگیری کمتر و تهدید و خشونت هم مدیریت می‌شوند و از طرف دیگر مشارکت، گفتگو، میانجی‌گری و مصالحه است که نقش ایفا می‌کند و تضمینی برای امنیت سیاسی می‌گردد (وکیل، ۱۳۸۳: ۱۹).

### ج) امنیت نظامی و خلع سلاح

می‌توان گفت که با توسعه فرهنگ صلح، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، گفتگو و میانجی‌گری میان کشورها و ملت‌ها و مردم را گسترش می‌دهند و این امکان را فراهم می‌کند تا تکیه کمتری به قدرت نظامی ایجاد شود و گام‌هایی به سوی خلع سلاح برداشته شود. در این رابطه می‌توان اذعان کرد که بندهای دوم و سوم ماده اول منشور ملل متحد به توسعه تدریجی روابط بین‌الملل و همچنین جلوگیری از وقوع جنگ و تحکیم صلح جهانی اشاره دارد و همان‌طور هم که از ماده ۵۵ منشور بر می‌آید، هدف حصول این اهداف مسالمت‌آمیز بوده و حقوق بشر به عنوان یکی از ابزارهای تحقق صلح خودنمایی می‌کند.

البته از بین بردن زمینه‌های وقوع درگیری یا تحکیم صلح مستلزم مبارزه با سلطه استعمار، آپارتاید و ترویج احترام به حقوق بشر به ویژه با حمایت از اصل حق ملل در تعیین سرنوشت خویش است که خود منجر به شناسایی طرف مشروع اعمال زور و خشونت برای تحقق آن اصول گردید (شایگان، ۱۳۸۰: ۵-۸).

### هـ) کارایی سود و هزینه صلح

جنگ همواره منافع بسیار زیادی را برای طرف پیروز و هم برای سوداگران تسلیحات به همراه دارد. اما اگر در قالب فرهنگ صلح، حجم انبوهی از سرمایه‌گذاری از بخش تولیدات نظامی به بخش تولیدات غیر نظامی انتقال یابد، نه تنها کارایی سود و هزینه بالا می‌رود بلکه رقابت‌های تسلیحاتی هم کاهش می‌یابد.

## و) توسعه همبستگی جهانی

یکی از مسیرهای گسترش فرهنگ صلح، توسعه همبستگی جهانی است که این امر می‌تواند از طریق ترویج عدالت، دموکراسی، اصول آزادی، رعایت حقوق بشر و... انجام می‌پذیرد (یونسکو و فرهنگ صلح<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷: ۱۶).

در مجموع می‌توان بیان کرد فرهنگ صلح شامل ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و رفتارهایی است که بیانگر و الهام بخش اعمال افراد در مشارکت متقابل اجتماعی بر مبنای اصول آزادی، عدالت و دموکراسی، رعایت حقوق بشر، دگر پذیری و همبستگی، نفی خشونت، تلاش برای پیشگیری از جنگ و حل مشکلات از طریق گفتگو و مذاکره و مشارکت کامل افراد در فرآیند توسعه جوامع است (یونسکو، ۱۹۹۶: ۶). ماهیت آن مبحثی است که دارای پیشینه بسیار طولانی می‌باشد. ریشه‌های این بحث را می‌توان در رجوع به دوران باستان و از اسطوره‌ها و شیوه عمل خدایان دریافت. بحث عدالت از آن جا که در ابعاد و جنبه‌های مختلف فردی، خانوادگی، ابعاد کلان اجتماعی و نهادها و سازمان‌های درگیر، حقوق و قضا، فقه و سیاست و غیره، حضور و بروز جدی دارد، با تنوع دیدگاه‌ها و اختلاف نظر همراه بوده است. مهم‌ترین ابعاد و جنبه‌های عدالت را می‌توان به صورت زیر تعریف کرد.

۱. ایان مک لین عدالت را در حوزه سیاست، وجود تعامل مناسب و در حقوق بیانگر کاربردهای مفهوم تعادل مناسب می‌داند. یعنی محاکمه‌ای منصفانه که از جمله میان توان مدعی علیه اثبات بی‌گناهی و توان پیگرد قانون برای اثبات جرم تعادل صحیحی برقرار باشد (مک لین، ۱۳۸۱: ۵۶).

۲. جمیل صلیبا عدالت و دادگری را در حوزه فلسفه تعریف می‌کند. وی عدالت را پایداری در راه حق و درستی و دوری از امور ناروا و برتری دادن عقل بر هوس می‌داند. در نظر فلاسفه عدالت به دو نوع عدالت مبادله‌ای<sup>۲</sup> «یعنی تبادل منافع بین افراد بر اساس مساوات» و عدالت توزیعی<sup>۳</sup> «یعنی تقسیم ثروت و حیثیت‌های اجتماعی بین مردم بر اساس شایستگی فردی به گونه‌ای که بتوان گفت نسبت این فرد به این ثروت مانند نسبت همه هم رتبه هایش به سهم اوست» (صلیبا، ۱۳۷۰: ۱۶۶). این نوع از عدالت به مفهوم «اقلی» یا «اکثری» از عدالت اجتماعی بر

۱. Unesco and a culture of peace

۲. Justice commutative

۳. Justice distribution

می‌گردد. یعنی برابری همه در حقوق و مسئولیت‌ها و اختیارات، مزایا و فرصت‌های وابسته به خود (بشیریه، ۱۳۸۷: ۱۱۵).

۳. عدالت «طبیعی» و «وضعی»: عدالت طبیعی قدیمی‌ترین نوع تقسیم و نامگذاری است و دارای قدمت بیشتری نسبت به عدالت وضعی است و در آراء افلاطون و ارسطو و در افکار معاصرانی چون هایک مشاهده می‌شود. عدالت طبیعی نتیجه تشخیص فرد عادل است و در عدالت طبیعی ارسطو عده‌ای برده و عده دیگر آزادند و یک نوع برابری طبیعی بین آن‌ها وجود دارد. اما در عدالت وضعی عدالت امری اخلاقی، انسانی، عقلانی و سیال است که با توجه به مقتضیات و ذهنیات و بر اساس عقل جمعی می‌باشد و در واقع ناشی از توافق عمومی یک جامعه است که برخلاف عدالت طبیعی که لایتغیر می‌باشد، تغییرپذیر است (صدیقیان، ۱۳۸۷: ۴).

۴. عدالت مقایسه‌ای و غیر مقایسه‌ای: عدالت مقایسه‌ای به شرایطی گفته می‌شود که تعریف عدالت یا ناعادلانه بودن امر به مقایسه وضعیت یا شرایط امر با سایر امور مرتبط بستگی دارد. یعنی فرد امری را عادلانه می‌داند که بر اساس مقایسه با شرایط دیگران بدست می‌آید و هر کس بر اساس استحقاق خود از آن بهره‌مند می‌شود. عدالت توزیعی را می‌توان در این دسته قرار داد. اما در عدالت غیر مقایسه‌ای نیازی به مقایسه با شرایط و وضعیت دیگران نیست بلکه وضعیت فرد است که سنجیده می‌شود. مثل امانت‌داری و وفای به عهد و... (صدیقیان، ۱۳۸۷: ۵).

### عدالت اجتماعی و هویت شهروندی

از مباحثی که در زمینه عدالت اجتماعی مطرح می‌شود، بحث شهروند و حقوق شهروندی است که این یکی از وظایف مهم دولت است. ما در زمانه‌ای زیست می‌کنیم که عامل انفکاک گونه‌های مختلف زیست اجتماعی - سیاسی انسان‌ها در یک چیز خلاصه می‌شود: «هویت شهروندی». شهروند<sup>۱</sup> در نظر فلاسفه و جامعه‌شناسان چیزی ورای یک هویت صرف سیاسی یعنی «رای دهنده» است. حقوق شهروندی<sup>۲</sup> به منزله حقوقی ورای حقوق طبیعی انسان‌ها و امری اساساً اجتماعی ناظر به توسعه حقوق انسانی از «امور زیستی - معیشتی» به مداخله در بافت اجتماعی - سیاسی است. از همین منظر، مفهوم عدالت اجتماعی در یک ارتباط تنگاتنگ

۱. Citizen

۲. Civil Rights



تئوریک و پراتیک با حقوق مدنی، نشانگر نمای ذهنیت عمومی هر جامعه و حاکمان آن است و تحدید «حقوق و هویت شهروندی» در حق «رأی دادن» آن به تعلق خاطر به گروه‌های سیاسی مقوله‌ای است که امروزه اصلی‌ترین عامل تهدید حقوق شهروندی به شمار می‌آید.

در ایران اگر چه همواره از عدالت به عنوان شیوه تعامل حاکمان و ملت نام برده شده است اما نحوه ارتباط نهادهای حاکمیت با مردم و همچنین بهره‌مندی آحاد جامعه از مزیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تابعیت تامی از سویه‌های عادلانه نداشته است. بی‌تردید آنچه که عدالت را در ابعاد اجتماعی محقق می‌کند، ضرورت یکسان انگاشتن تک تک کسانی است که در جامعه ایران عضویت دارند. از این رو یکسان انگاشتن در ایران همواره در مقوله‌ای به نام «حق رأی» نام برده می‌شود (نوروزی، ۱۳۸۵: ۱).

باید توجه داشت که حق رأی تنها بخش کوچکی از حقوق شهروندی است. حقوق دیگری هم هستند که در قالب افزایش سطح کیفیت زندگی شهروندان بر عهده دولت است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول سوم، بیست و هشتم، بیست و نهم، سی ام، سی و یکم، چهل و سوم و پنجاه به وظایف دولت در قبال شهروندان به طور صریح پرداخته است.

اما به طور کلی و با توجه به مطالعات جهانی و ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران می‌توان شاخص‌های کلی زیر را برای بررسی کیفیت زندگی شهروندان ایران معنی کرد.

۱. شاخص‌های محیطی؛
۲. شاخص‌های فرهنگ شهروندی؛
۳. شاخص‌های اقتصادی؛
۴. شاخص‌های جمعیتی و اجتماعی؛
۵. شاخص‌های آموزش؛
۶. تحصیلات و مهارت‌ها؛
۷. شاخص‌های زیرساخت‌ها و تأسیسات؛
۸. شاخص‌های سلامتی و بهداشت؛
۹. شاخص‌های حقوق شهروندی؛
۱۰. شاخص‌های تفریحات و استراحت؛
۱۱. شاخص‌های مسکن و سرپناه؛

۱۲. شاخص‌های امنیت (امینی، ۱۳۸۶: ۸-۱۱، رهنما، ۱۳۷۳: ۲۷ و ۱۸۳).

امنیت یکی از ارکان توسعه پایدار و آسایش زندگی انسانی است. امنیت همچون عاملی زیر بنایی جهت تمامی شاخص‌های دیگر باید تأمین گردد تا امکان بهره‌وری کامل و کیفی سایر شاخص‌ها میسر گردد. نکته قابل ذکر، انطباق این ده شاخص کیفیت زندگی با شاخص‌های هفتگانه حیاتی انسان که توسط فرانتس شاخر و کارل روپرت بیان شده است تا حدودی منطبق است. این شاخص‌های هفتگانه عبارتند از: تولید مثل و تداوم بقا، اشتغال و معیشت، سکونت و زیست، آموزش و پرورش، آموزش و جابه‌جایی، تأمین و تدارک نیاز و استراحت و فراغت (شیفر<sup>۱</sup>، ۱۹۷۰: ۶۶).

توجه به شاخص‌های کیفیت زندگی نشان‌دهنده رابطه میان زندگی شهروندان و مفهوم کیفیت می‌باشد و از آن جایی که بین شهروندان و دولت نیز رابطه‌ای دو سویه وجود دارد، می‌توان به وجود رابطه میان مفهوم کیفیت و دولت بیشتر پی برد. با کمی توجه به این شاخص‌ها به راحتی دریافت که تأمین ایجاد و رشد تمامی آن‌ها در محدوده وظایف دولت‌ها قرار می‌گیرد (امینی، ۱۳۸۶: ۱۱). در دولت نهم جمهوری اسلامی ایران توجه به این شاخص‌ها و افزایش سطح زندگی شهروندان و همچنین توجه به مقوله عدالت در سطح بالایی قرار دارد.

شخص رئیس‌جمهور در اکثر سخنرانی‌ها و سفرهای استانی خود از عدالت به عنوان اصلی‌ترین روش حکمرانی خویش یاد می‌نماید و زیردستان و مدیران را به سوی این امر دعوت می‌کند. بنابر این اگر دولت می‌خواهد در اجرای عدالت در همه ابعاد آن موفق ظاهر شود، ناگزیر از به رسمیت شناختن حقوق مدنی آحاد ملت است. مفهوم «حقوق شهروندی و مدنی» اگرچه سالیان گذشته توسط حاکمان اصلاح‌طلب در لفظ متعالی شمرده شد، ولی در عمل کمتر به آن التزام نشان دادند. حال این دولت که از لحاظ عقیدتی تفاوتی ماهوی با دولت‌های پیشین دارد، اول باید به درک این فهم نایل آید و به حقوق مدنی توجه داشته باشد و دوم، شهروندان این امر مهم را جدی بگیرند و در اجرای هر چه بیشتر آن مشارکت کنند.

## استراتژی کلان و اهداف کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

استراتژی‌های کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر اساس قانون اساسی عبارتند از:

- اعتقاد به حاکمیت اسلام و گسترش آن به سراسر دنیا؛

- حمایت از مستضعفان جهان؛

- نفی هر گونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری (جهانگیری، ۱۳۸۷: ۸۱-۸۲).

بر اساس این استراتژی‌ها، جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد و ضمن پرهیز از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. برای دستیابی به این استراتژی‌ها، یک سری محورهایی را به عنوان اهداف کلی نظام جمهوری اسلامی ایران ترسیم کرده‌اند.

### اهداف کلی نظام جمهوری اسلامی عبارتند از:

- حفظ و اعتلای ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی که در اصل چهارم قانون اساسی تصریح

می‌کند کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی

و... باید بر اساس موازین اسلامی باشد؛

- حفظ و اعتلای انقلاب و نظام برآمده از انقلاب اسلامی؛

- حفظ تمامیت ارضی؛

- حفظ امنیت ملی و مصالح ملی؛

- تنش‌زدایی و ایجاد رابطه برابر با سایر کشورها (براساس اصل عزت، مصلحت و حکمت)؛

- حفظ و تقویت امنیت خلیج فارس و امنیت منطقه‌ای؛

- صلح و امنیت بین‌المللی؛

- حفظ حقوق و آزادی‌های فردی، اجتماعی و قانونی شهروندان؛

- رفاه عمومی و تأمین اجتماعی و

- توزیع عادلانه درآمدها و اشتغال‌زایی (تاجیک، ۱۳۸۷: ۱۴-۱۳).

از طرفی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارای ارزش‌های برگرفته از دستورها و مبانی

اسلامی است که در برخی از موارد با قواعد و هنجارهای بین‌المللی همگرایی دارد و در برخی از

موارد با آن‌ها تعرض پیدا می‌کند. البته با توجه به فرامین الهی و دینی در مواردی که بین اهداف

نظام بین‌المللی و کشورها با اهداف نظام جمهوری اسلامی تعارضی وجود دارد، در وهله اول باید

تمامی تلاش خود را برای رفع این تعرض به کار گیریم. بدیهی است در این راستا برای دستیابی

به اهداف بالاتر بایستی از اهداف جزئی تر خود نیز صرف نظر نماییم. جمهوری اسلامی ایران نیز با درک واقیتهای و بهره‌گیری بیشتر از فرصت‌ها، ابتدا زمینه‌ها و شرایط مساعد در نظام بین‌المللی و سپس از طریق فرهنگ سازی در افکار عمومی، سعی نماید چالش‌های موجود در روابطش با آمریکا را کاهش و از زمینه‌های مقابله و رودررویی مستقیم با ایالات متحده آمریکا، در دستیابی به اهداف اساسی‌تر، پرهیز و حداکثر استفاده را کسب کند.

### ابعاد سه گانه گفتمان عدالت و پیشرفت

ما همواره در ۳۰ سال گذشته برای طرح ادبیات انقلاب با محوریت تحقق عدالت به نوعی با خلأ فرهنگ مواجه بوده‌ایم؛ چرا که فرهنگ مدرنیته همواره چالشی برای فرهنگ ما محسوب می‌شود. بر این اساس طرح گفتمان «عدالت و پیشرفت» ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در این مسیر است. قدم گذاشتن در این مسیر نیازمند مهندسی دقیق است که در زیر به آن اشاره می‌گردد.

۱. «تقویت جریان اجتماعی تئوری پردازی برای پاسخگویی به خلأ تئوریک تحقق ادبیات انقلاب - به محوریت ضرورت ایجاد نگاه مبنایی و ذاتی به عدالت در برنامه پیشرفت کشور- اولویتی مضاعف یابد (کشوری، ۱۳۸۷: ۱)»؛

۲. «تقویت جریان اجتماعی مطالبه عدالت و پیشرفت مبتنی بر عمق تئوریک تولید شده در جریان تئوری پردازی ضرورت دوم تحقق «گفتمان عدالت و پیشرفت» می‌باشد. در شرایط فعلی نگاه جریان مطالبه به سمت مسائل خلاف عدالت به صورت مصداقی گرایش دارد و این به معنای ساختن مسیری بی مانع برای ایجاد فاصله طبقاتی در جامعه بر مبنای ادبیات توسعه غربی می‌باشد. در صورت اقتناع جریان مطالبه عدالت بر اساس تئوری سازی اسلامی، می‌توان نقش تصمیم‌سازی برای «تقنین، اجرا و نظارت عدالت‌محور» را برای جریان مطالبه اجتماعی ترسیم نمود» (کشوری، ۱۳۸۷: ۱).

۳. «سومین محوری که برای ایجاد گفتمان عدالت و پیشرفت در دهه چهارم ضرورت دارد، ایجاد توجه در قوای سه گانه حول این موضوع می‌باشد تا در سایه توجه محوری به شعار عدالت و پیشرفت در قوای سه گانه، موانع عینی مجریان در مسیر آرمانشهر عدالت به روشنی برای متفکران جامعه تبیین شود. به عبارت دیگر در گفتمان دهه چهارم، سؤالات چگونگی حذف موانع عدالت و پیشرفت در ساختارها از طرف قوای سه گانه در فضای گفتمان مطرح می‌شود» (کشوری، ۱۳۸۷: ۱).

با توجه به طرح این گفتمان آن چه بیش از همه در اولویت قرار می‌گیرد بررسی موضوعی آن و آگاه‌سازی جامعه از این طرح می‌باشد تا در این فرآیند خود گفتمان به نوعی در جامعه فرهنگ‌سازی شود.

### عدالت و عدالت‌گری در دولت نهم

عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری اندیشه بنیادین و روح تمامی ادیان دینی و نحله‌های فلسفی و عرفانی است. دادگستری در زبان فارسی برگردان عدل و عدالت و قسط است که در قرآن کریم هم بیان شده است. در فرهنگ فارسی عدل و قسط و عدالت به معنی داد، دادگر بودن، انصاف داشتن و دادگری بیان شده است و «معین» در معنی کلمه عدالتخانه آورده است؛ عدلیه و دادگستری که مظفرالدین شاه به درخواست آن آزادی‌خواهان دست خطی مبنی بر تأسیس آن صادر کرد (فرهنگ فارسی، ۱۳۷۰: ۸۰).

احمدی‌نژاد در مبارزات انتخاباتی نهمین دوره ریاست جمهوری در بهار سال ۱۳۸۴ عدالت‌محوری و عدالت‌گستری را محور برنامه‌های خود اعلام کرد. در حالی که نامزدهای اصلی دیگر بیشتر بر رفاه و توسعه اقتصادی، حقوق بشر، مردم‌سالاری، نظم و قانون و مقابله با انزوای بین‌المللی تأکید می‌کردند. بدین ترتیب برنامه اصلاح‌طلبانه و اصول‌گرایانه احمدی‌نژاد بر مبنای مبارزه با بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی، فساد و تبعیض تدوین و عرضه شد (دهقانی، ۱۳۸۶: ۷۰). از دیدگاه رئیس‌جمهور عدالت جلوه‌های متفاوت و مقتضیات حال خود را دارد؛ برخی از این جلوه‌ها بدین قرار است:

۱. توزیع مناسب و عادلانه منابع، ثروت، فرصت‌ها و امکانات کشور؛
۲. رفع مشکلات و اصلاح عقب‌افتادگی‌های تاریخی برخی از مناطق کشور؛
۳. ایجاد فرصت‌های برابر برای رشد و شکوفایی استعدادها؛
۴. مبارزه با فساد و تبعیض؛
۵. حمایت از مستضعفان؛
۶. اولویت‌گذاری در برخوردها؛
۷. مبارزه با کسانی که با استفاده از نفوذ و متنفذین فساد می‌کنند (مراسم رأی اعتماد مجلس به وزرای پیشنهادی ۱۳۸۴/۵/۳۰).
۸. حمایت از گسترش فعالیت‌های تحقیق و توسعه نوآوری؛

۹. رفع موانع تولید داخلی و امکان پذیری تولید رقابتی مبتنی بر نوآوری فناوری؛

۱۰. فعال نمودن ظرفیت‌های اقتصادی برای همه اقشار (برنامه دولت نهم، ۱۳۸۷، ۲-۳).

یکی از اقدامات دولت برای اجرای عدالت تخصیص سهام عدالت به اقشار نیازمند است. دولت از این به بعد هم تصمیم گرفته است شرکت‌ها، کارخانجات، مزارع و صنایع مرتبط دولت را به صورت سهام عدالت بین همه ملت ایران توزیع کند (بازآفرینی منشور علوی در دولت اسلامی، ۱۳۸۶: ۲۳).

محمود احمدی‌نژاد به عنوان نامزد ریاست جمهوری تأکید دارد که هدف سیاست داخلی و خارجی احیای اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های نخستین انقلاب و در رأس آن عدالت است (دهقانی، ۱۳۸۶: ۷۲).

وزیر امور خارجه، منوچهر متکی نیز تصریح می‌کند که جهت‌گیری‌های دولت نهم در چارچوب انقلاب اسلامی و ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران است. از این رو رابطه غرب و برخورد اصول‌گرایی با نظام بین‌المللی و سیاست خارجی کاملاً منطبق بر گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره) است (متکی، ۱۳۸۵). با این جهت‌گیری می‌توان گفت که اصول‌گرایی و عدالت‌خواهی یا عدالت‌گستری لازم و ملزوم هم بوده و عناصر سیاست خارجی جمهوری اسلامی را شکل می‌دهند.

رویکرد عدالت‌گرایانه در دولت نهم فصل‌الخطاب همه برنامه‌ها و لوایح بوده است و ان‌شالله در عمل و زندگی مردم هم هویدا خواهد شد. توجه به شهرها و روستاها به جای کلان‌شهرها، سفرهای استانی و حضور ریاست جمهوری در میان مردم و سخن گفتن با آنها و اقدام برای رفع محرومیت‌ها و آلام آنان نمونه‌ای از این اعتقاد محکم به عدالت‌گستری در جامعه است (سیف، ۱۳۸۶: ۵۷).

### اتخاذ راهبرد عدالت خواهی دولت نهم در عرصه بین‌المللی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تا به امروز تلاش شد تا دستگاه دیپلماسی کارآمد و شایسته‌سالار ایجاد شود و گفتمان عدالت در تعامل و مناسبات با دنیای خارج، چاشنی سیاست خارجی ما باشد.

علاوه بر آن حکمت و عزت نیز بیش از حد قربانی مصلحت نشود و موقعیت ایران را از یک کشور ژئوپلیتیک به کشور استراتژیک و مقتدر ارتقاء داد و اتباع ایران به ایرانی بودن خود در

دنیا افتخار و احساس غرور نمایند.

روحیه عدالت‌طلبی و ظلم‌ناپذیری را باید در دستگاه دیپلماسی پرورش و تقویت کرد. این روحیه به منزله استقبال از ستیز با نظام بین‌الملل نیست، بلکه بر عکس به منزله افزایش تعامل با دنیای خارج و ایجاد ائتلاف برای عدالت در عرصه روابط بین‌الملل، نفی یکجانبه‌گرایی، همزیستی مسالمت‌آمیز ملت‌ها، ایجاد جبهه و ائتلاف قوی علیه جنگ و سرانجام گسترش مناسبات بر محور عدالت، نفی سلطه، روابط صلح‌آمیز متقابل و احترام به حقوق و حاکمیت یکدیگر است.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تلاش نموده تا در اهداف، ارزش‌گرا و در رفتار و عمل واقع‌گرا باشد. یعنی برای رسیدن به اهداف بلند ارزشی که تحقق معنویت، عدالت و آزادی است از گستره ابزارهای مشروع موجود در نظام بین‌الملل، مناسبات سیاسی، اقتصادی، نهادهای بین‌المللی و حقوق اساسی بین‌الملل بهره‌گیرد (حسینی، ۱۳۸۶: ۹).

گفتمان اصول‌گرایی که حول محور عدالت، هویت می‌یابد اهمیت ویژه‌ای را برای تحقق اهداف راهبردی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران قائل است؛ چرا که نظم و نظام بین‌المللی مستقر و موجود را ناعادلانه و نامشروع می‌پندارد. لذا عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری ایجاب می‌کند تغییر وضع موجود جهانی برای تأمین وضع و نظم مطلوب اسلامی در اولویت اهداف سیاست خارجی قرار گیرد.

عدالت‌گستری و استقرار نظم مطلوب در سطح نظام بین‌المللی دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. وجه منفی و سلبی آن متضمن و مستلزم و اساسی<sup>۱</sup> یا شالوده‌شکنی نظم بین‌المللی است. اما وجه مثبت و ایجابی، نظم و نظام جهانی را در پرتو تبیین و ترویج و تثبیت نظم عادلانه اسلامی و فراهم ساختن لوازم آن می‌داند. به عبارت دیگر استقرار نظم و نظام عادلانه بین‌المللی در دو مرحله صورت می‌گیرد. نخست، تخریب و تغییر نظم وضع موجود و سپس ترویج و تحکیم نظم مطلوب اسلامی (دهقانی، ۱۳۸۶: ۸۴).

بر این اساس جمهوری اسلامی ایران اعتقاد دارد که روابط بین‌کشورها بر اساس حق و تکلیف است. اگر معاهدات بین‌المللی یک سری تکالیفی را برای ایران در نظر می‌گیرد، جمهوری اسلامی هم حق دارد که از حق خود دفاع کند. بنابراین به هیچ عنوان از حقوق خود در ابعاد

مختلف از جمله حقوق هسته‌ای چشم پوشی نخواهد کرد. علاوه بر این جمهوری اسلامی ایران به جای رابطه قدرت که خود عامل بی‌عدالتی است، همکاری را در سیاست بین‌المللی پیشه راه خود ساخته است. گفت‌وگو عدالت محور، می‌تواند جایگزین مناسبی برای گفت‌وگو قدرت در عرصه بین‌الملل باشد. با توجه به این دیدگاه است که برنامه هسته‌ای ایران کاملاً صلح‌آمیز است و ایران آمادگی خود را برای رفع هر گونه نگرانی اعلام کرده است. با وجود این که ایران مقاصد روشن خود را بیان کرده است، قطعنامه‌هایی از سوی شورای امنیت علیه ایران صادر می‌شود و با استفاده از اهرم‌های اقتصادی و سیاسی سعی در ایجاد فشار بر ایران را دارند. دولت نهم با آگاهی از این معضلات نظام بین‌المللی و منطقه، و با الهام از اصول مصرح قانون اساسی مبنی بر طراحی سیاست خارجی بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال کشور و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با همه دولت‌ها به جز رژیم غاصب صهیونیستی، اقدام به یک سری از اقدامات و سیاست‌ها در چارچوب اصول بنیادین عزت، حکمت و مصلحت و بهره‌مندی از رهیافت کلی‌تر و خلاق نموده است (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۰-۱۱).

علی‌رغم تلاش بی‌وقفه غرب برای منزوی ساختن ایران، جمهوری اسلامی ایران توسعه روابط با کشورهای آسیایی به ویژه با همسایگان و همچنین برخی از کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای آفریقایی را گسترش داده است. توسعه همکاری با دیگر کشورهای منطقه در قالب پیمان‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، فعال‌سازی سازمان‌هایی چون همکاری اقتصادی (اگو)، کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد، عضویت ناظر ایران در سازمان همکاری شانگهای و سارک نمونه‌ای از گشایش عرصه‌ها و مناسبات دیپلماتیک ایران با دیگر مناطق است.

### مفهوم صلح و امنیت در سیاست خارجی ایران

سیاست خارجی یکی از متعالی‌ترین امور عمومی در زندگی بشر امروز می‌باشد. وظیفه خطیر تولید امنیت و حفاظت از منافع ملی کشور در دنیای پیچیده کنونی به عهده سیاست خارجی دستگاه دیپلماسی گذاشته شده است.

تولید امنیت، گسترده پهنآوری را از حفظ بقای سرزمین تا توسعه امکانات اقتصادی و فرهنگی در بر می‌گیرد. در قلب سیاست خارجی، تأمین صلح و امنیت، جلوگیری از تعرض به آب و خاک و



سیستم سیاسی قرار دارد و این بدان معنی است که همه شئون زندگی فردی و جمعی از چگونگی وضعیت نهایی سیاست خارجی متأثر می‌شود.

سیاست خارجی پیوسته با امر تصمیم‌گیری ارتباط دارد و با این پرسش روبه‌رو می‌شود که چگونه باید بهترین، کم هزینه ترین، کارآمدترین و برترین گزینه را انتخاب، و منافع و امنیت کشور را در محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأمین کرد و نظام جمهوری اسلامی ایران را با وجود آشوب ورودی در درون نظام بین‌الملل، از گزند حوادث و تحولات ناخوشایند در امان و حفظ کرد.

یافته‌های مطالعات صلح، حاکی از آن است که صلح را باید چیزی فراتر از فقدان جنگ دانست. یک رابطه مثبت و مستقیمی میان عدالت، صلح و امنیت بین‌المللی وجود دارد. از این رو صلح عادلانه به عنوان یکی از ارکان و عناصر نظم و نظام جهانی مطلوب اسلامی مورد تأکید قرار می‌گیرد. بر این اساس رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد بیان می‌دارد «عدالت و حفظ کرامت انسان به عنوان دو رکن اساسی حفظ صلح و امنیت حق همه ملت‌ها و دولت‌هاست».

در تحقیقات و مطالعات صلح این مفهوم به سه معنای مختلف تعریف و به کار بسته شده است. در معنای نخست، صلح به صورت منفی و حداقلی تعریف می‌شود و عبارت است از نبود جنگ گسترده و خشونت عریان و آشکار در سطح بین‌المللی. در این تعریف جنگ و خشونت یک امر طبیعی فرض می‌شود و صلح یک وضعیت استثنائی. بنابراین برای دستیابی به صلح باید منازعات را کنترل کرد (دهقانی، ۱۳۸۶: ۹۱).

تعریف دوم از صلح، یک صلح حداکثری و مثبت است. صلح مثبت به صلحی اشاره دارد که در طی آن سعی بر آن است تا دلایل بروز درگیری حل و فصل شوند. صلح تنها یک آشتی بن‌بست نیست بلکه یکی از عناصر متشکله آن تبادل ارتباطات میان طرفین است. در جریان اجرای فرآیند صلح مثبت نه تنها نیروهای نظامی کشورها جنگ با یکدیگر را متوقف می‌کنند بلکه وضعیت اختلال اقتصادی و تشویش سیاسی را به شرایط مساعد برمی‌گردانند (وکیلی، ۱۳۸۳: ۴۳).

صلح مثبت مجموعه عواملی محسوب می‌شود که معمولاً شامل ضعف خشونت ساختاری است که از دلایل بروز درگیری‌ها قلمداد می‌گردد. موافقین صلح مثبت فرهنگ نظامی‌گری را مورد انتقاد قرار می‌دهند و به ظن این عده بنای اجتماعی جنگ به خیلی از شئون زندگی روزمره ما

رابطه پیدا می‌کند. برخی از این موارد عبارتند از: شیوع استفاده از اسباب بازی‌های جنگی در آیین وطن پرستی، اعمال نقش جنسیتی برای جوانان مذکر در آموزش نظامی و غیره (گلستین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲: ۱۳۸-۱۳۰).

مفهوم سوم صلح، حد واسطی بین دو معنای حداکثری و حداقلی است. یعنی عدالت اجتماعی و اقتصادی و نبود جنگ گسترده و خشونت فیزیکی. در این مفهوم از صلح اعتقاد بر این است که دستیابی به صلح حداکثری در شرایط بین‌المللی موجود امکان‌پذیر نیست و برای برقراری صلح باید از یک نظام بین‌المللی که زور و خشونت ابزار آن است به جامعه‌ای گذر کرد که تاریخ از این دو ابزار در جهت تأمین اهداف و منافع کشورها تلاش می‌کند (دهقانی، ۱۳۸۶: ۹۲).

بنابراین هریک از این دیدگاه‌ها در مورد صلح راهکارهای خاص خود را برای استقرار صلح در سطح بین‌المللی پیشنهاد می‌کند. حداقل‌گرایان از طریق ارائه اطلاعات جدیدی در مورد ماهیت، علل، تداوم و پیامدهای جنگ در صدد تغییر برداشت‌ها و گرایش‌ها و تصمیم‌گیرنده هستند. میان‌روها معتقدند از آن جا که ممکن است اطلاعات و داده‌های جدید به تنهایی و به خودی خود به تغییر گرایش‌ها و برداشت‌های سیاست‌گذاران و تدبیرپردازان امر بینجامد باید تغییر و تحول برداشت‌ها و ایستارهای تصمیم‌گیرندگان به موازات ساختارهای تصمیم‌گیری در سطوح ملی و بین‌المللی صورت پذیرد و در نهایت حداکثرگرایان در چارچوب فناوری صلح<sup>۲</sup> در پی ایجاد تغییرات بنیادی و زیربنایی در ساختارها و فرآیندهای اجتماعی هستند تا از این طریق بتوان صلح پایدار را در ساختارهای موجود بین‌المللی و ملی تحقق بخشید (دهقانی، ۱۳۸۳: ۱۲).

براین اساس می‌توان گفت که تلقی و تعریف حداکثری صلح مثبت کاملاً بر مبنا و مدلول آن در گفتمان اصول‌گرایی عدالت محور منطبق است. گونه حداکثری از مفهوم صلح پیوند عمیقی میان صلح و امنیت و عدالت برقرار می‌کند. بنابراین برای دستیابی به صلح و امنیت پایدار باید مناسبات قدرت و ساختارهای سلطه و خشونت را از بین برد. تجلی و نمود عینی و عملی این تصور از صلح مثبت در رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مشهود است. نمونه آن را می‌توان در رویکرد جمهوری اسلامی ایران به بحران فلسطین مشاهده کرد. جمهوری اسلامی ایران در

۱. Golstein

۲. Technology of peace

چارچوب صلح مثبت استدلال می‌کند تا زمانی که ساختارهای سلطه و خشونت بر روابط فلسطین و اسرائیل حاکم است، صلح حقیقی و پایدار حاصل نخواهد شد؛ چرا که ایجاد صلح پایدار در گرو برقراری عدالت، مساوات و احقاق حقوق مسلمانان فلسطین است (عراقچی، ۱۳۸۴: ۸).

### نتیجه گیری

پس از انتخاب محمود احمدی‌نژاد به عنوان ریاست جمهوری ایران و آغاز دولت نهم در مرداد ۱۳۸۴، گفتمان حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز دستخوش تغییر و تحول درونی شد. تسلط گفتمان آرمان‌گرایی اصول‌محور بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره را می‌توان متأثر از عوامل داخلی و بین‌المللی دانست. افزایش فشارهای بین‌المللی در این مورد و بازرسی متعدد نمایندگان آژانس از مراکز فعال در امر فناوری هسته‌ای در کشور را می‌توان یکی از آن عوامل دانست. به طوری که ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد بارها در سخنرانی‌های خود از عقب‌نشینی و سیاست ممانعت‌آمیز آقای خاتمی در این مورد انتقاد کرده و بر حقوق هسته‌ای ایران پافشاری نموده‌اند. آن چه که در این جا در عرصه سیاست خارجی اهمیت پیدا می‌کند ایجاد گفتمانی است که نشان دهد ایران چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی با تکیه بر اصول اصیل انقلابی خود، خواهان صلح و عدالت به ویژه دستیابی ایران به فناوری‌های روز جهان می‌باشد. از این رو گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور جای گفتمان عمل‌گرایی فرهنگی یا صلح‌گرایی مردم‌سالار قرار می‌گیرد تا در قبال نظم و نظام بین‌المللی به شالوده‌شکنی بپردازد، هرچند که می‌توان گفت گفتمان قبلی هم به نوعی در قبال نظام بین‌الملل شالوده شکن بوده است و با ایدئولوژی خاص خود سعی در گرفتن حقوق ایران در نظام بین‌المللی داشته است. اما زمانی که ایران تحت فشارهای بین‌المللی قرار دارد ایجاد گفتمانی که بتواند حقوق مسلم ایران را با تکیه بر اصول عدالت خواهی بیان کند، اهمیت می‌یابد. برای تحقق این گفتمان باید از سیاست داخلی شروع کرد. یعنی همان کاری که آقای احمدی‌نژاد در طی سفرهای استانی خود و طرح‌هایی که ایجاد شد عملاً در عرصه عمل نشان دادند و در عرصه خارجی هم با تأکید بر حمایت از نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش در فلسطین و لبنان، گسترش و تعمیق روابط با کشورهای همسایه به خصوص کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس، ایستادگی و پافشاری بر حقوق هسته‌ای کشور و تحمل مشکلات ناشی از آن،

مخالفت اعلانی و اعمالی با سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا در سطح بین‌المللی و خصوصاً منطقه‌ای، اتخاذ رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی و نزدیکی به چین و روسیه و... سعی در تحقق این گفتمان در نظام بین‌الملل دارد.

## منابع

- امینی، مهدی (۱۳۸۶). «**شاخص‌های کیفیت زندگی شهروندی و نقش و**

**وظایف دولت**»، از:

[http://www.parspages.com/PHP/5BF9C848-1617-7B69-8A4E619CAE709163/Article/EEADC606\\_1617\\_7B69\\_8AF3F8E4E5D46FDF.pdf](http://www.parspages.com/PHP/5BF9C848-1617-7B69-8A4E619CAE709163/Article/EEADC606_1617_7B69_8AF3F8E4E5D46FDF.pdf)

- «باز آفرینی منشور علوی در دولت اسلامی (بررسی آراء و شیوه‌های اجرایی رئیس جمهور اسلامی ایران)». **گزارش جمهور، مرکز پژوهش اسناد ریاست جمهوری**، ضمیمه فصلنامه تخصصی نامه جمهور، سال اول، شماره ۱۳.

- «**برنامه دولت نهم**»، از:

<http://www.president.ir/fa/government/plan/index.htm>

- بشیریه حسین (۱۳۷۹)، **تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن ۲۰**، جلد دوم، تهران: نشر نی.

- بشیریه، حسین (۱۳۷۶)، «اقتراح در باب عدالت با موسی غنی نژاد و حسین بشیریه»، **نقد و نظر**، سال سوم، شماره ۲ و ۳.

- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۷). **تدوین استراتژی‌های جمهوری اسلامی ایران**، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک.

- جهانگیری، منصور (۱۳۷۸). **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: آگاه.

- حسینی، محمد علی (۱۳۸۶). «مؤلفه‌های کارآمدی سیاست خارجی دولت نهم»، **گزارش جمهور، مرکز پژوهش اسناد ریاست جمهوری**، ضمیمه فصلنامه تخصصی نامه جمهور، سال اول، شماره ۶-۷.

- دانشگر، احمد (۱۳۷۰). **فرهنگ فارسی**، تهران: نوین.

- دهقانی، جلال (۱۳۸۶)، «گفتمان اصول گرایی عدالت محور در سیاست خارجی دولت احمدی نژاد»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی دانش سیاسی**، سال سوم، شماره ۵
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۷۷)، «روابط بین الملل از منظر فرانو گرایی»، **گفتمان**، شماره ۱.
- رزاقی، سهراب (۱۳۸۷)، «جامعه مدنی ضعیف نمی تواند حامل پروژه دموکراسی، حقوق بشر و صلح در جامعه باشد»، **گزارش همایش علمی صلح پایدار، راهی پرفراز و نشیب**، از:

<http://news.gooya.com/politics/archives/2008/05/072284.php>

- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۳)، **فرآیند برنامه ریزی شهری ایران**، تهران: سمت.
- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۷۳)، «دولت و شهرنشینی در ایران: نقدی بر نظریه عناصر شهری قدیم و سرمایه داری بهره وری هانس بوبک»، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، سال نهم، سال ۳۲۰.
- زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷)، **فقه سیاسی**، تهران: انتشارات امیر کبیر، ج ۳.
- شایگان، فریده (۱۳۸۰)، **شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین المللی**، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- صدیقیان، آمنه (۱۳۸۷)، «مفهوم و گونه های عدالت اجتماعی»، از:

[http://sociologyofiran.com/index.php?option=com\\_content&task=view&id=53&Itemid=39](http://sociologyofiran.com/index.php?option=com_content&task=view&id=53&Itemid=39)

- صلیبا، جمیل (۱۳۷۰)، **واژه نامه فلسفه و علوم اجتماعی**، ترجمه کاظم برگ نیسی/صادق سجادی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- عراقچی، عباس (۱۳۸۴)، «گفتگوی عراقچی پیرامون مواضع رئیس جمهور در قبال فلسطین»، **همشهری دیپلماتیک**، ۲۶ آذر، شماره ۷۸.
- غفاری، حنیف (۱۳۸۷)، «در جستجوی صلح عادلانه»، **روزنامه رسالت**، شماره

- کشوری، علی (۱۳۸۷)، «**ابعاد ۳ گانه گفتمان عدالت و پیشرفت**»، از:  
<http://www.rajaneews.com/detail.asp?id=19736>

- «**گزارش عملکرد یکساله دولت نهم**». دبیر خانه شورای اطلاع رسانی دولت، از:  
<http://www.SPK-gov.ir/Repnts.sap?Itemid=22564.p.3>

- متکی، منوچهر (۱۳۸۵)، «سیاست خارجی دولت نهم: یک سال بعد»، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳ مهر ۱۳۸۵ (متن سخنرانی وزیر امور خارجه در این مرکز):

<http://www.Leader.ir/langs/FA/hndex.php?p=bayand&id=3235>

- مک لین، ایان (۱۳۸۱)، **فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد**، ترجمه حمید احمدی، تهران: نشر میزان.

- نوروزی، سجاد (۱۳۸۵)، «عدالت اجتماعی و هویت شهروندی»، **روزنامه شرق**، شماره ۷۹۲، ۴/۶، ۸۵/ ص: ۴.

- وصفی اسفستانی، شهرام (۱۳۸۶)، «**چالش‌ها و چشم اندازهای طرح سهام عدالت**»، از:

<http://old.ires.ir/Coverstory/CoverstoryF/Item.asp?ID=89&CurPage=1>.

- وکیل، امیر ساعد (۱۳۸۳)، **رعایت حقوق بشر عاملی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی**، پایان نامه ارشد دانشگاه تهران. خرداد ۱۳۸۳.

- Greanberg Jerald & report a. baron(2000). *Behavior in organizations understanding and managing the human side of work*, seventh edition prentice hall inc.
- Goldstein, Joshuas(1992), *International relations*, London: Longman.
- Heywood, A (1996), *Political ideas and- concepts*,

London, Mac Milan.

- Kreitner Robert & angelo kinicki(2001), **Organizational behavior**, fifth edition Irwin/mc graw-hill.
- Schaffer, Franz(1970), Zur Konzeption der Soziallgeographic Wirtschaft- und Soziallgeographic, Dietrich Barles (Herg) Kiepenheuer and Witsch; Koln-Berlin.
- Unesco and a culture of peace(1997), Paris Unesco publishing.
- Unesco, approved program and Budget for 1998,1999, Paris: Unesco publishing,1998.

